

تحلیل کنز از دیدگاه فقه و اقتصاد

سیدرضا حسینی*

چکیده

کنز به عنوان یکی از مفاهیم محوری در ادبیات فقه اقتصادی که در آیات ۳۴ و ۳۵ سوره توبه وارد شده، مورد برداشت‌های گوناگونی از ناحیه‌ی مفسران، فقیهان و اقتصاددانان مسلمان قرار گرفته است. این مقاله با استفاده از روش تحلیلی فقهی - اقتصادی، ضمن بررسی برخی از مهمترین این دیدگاه‌ها، در صدد ارائه تبیینی قابل قبول از مفهوم کنز و تحلیل برخی از آثار و کارکردهای اقتصادی آن است. فرضیه‌ی مقاله این است که آیات کنز بیانگر یک قاعده‌ی اساسی در جهت اصلاح انگیزه‌های حاکم بر رفتارهای اقتصادی افراد در زمینه‌ی کسب مال و ثروت و جریان صحیح گردش پول (مال) و چگونگی تخصیص درآمد است. بر اساس این حکم، رویکرد تکاثری به انباشت ثروت که مستلزم اسراف، اتراف و بی‌توجهی به مصالح اجتماعی و نیاز تهیدستان باشد، محکوم است. اسلام، خواهان قرار گرفتن ثروت و درآمد در جریان فعالیت‌های اقتصادی و در راه‌های مورد رضایت خداوند اعم از تأمین هزینه‌های شخصی و تأمین مصالح اجتماعی در (زمان حال) و سرمایه‌گذاری برای تأمین مصالح فردی و اجتماعی (آینده) است. تحلیل آثار این حکم بر تقاضای پول، سفته‌بازی در بازارهای مالی، رفتار پس انداز و سرمایه‌گذاری افراد و برخی پدیده‌های کلان اقتصادی، هدف دیگر این مقاله است. کلید واژه‌ها: کنز، ذخیره‌سازی، تکاثر، انفاق، سبیل‌الله، پس انداز، سفته‌بازی.

مقدمه

در قرآن کریم، کنز طلا و نقره و خودداری از انفاق آنها در راه خدا به شدت مورد مذمت قرار گرفته است، این مضمون در آیه ۳۴ سوره توبه چنین بیان شده است: «کسانی که زر و سیم را گنجینه می‌کنند و آن را در راه خدا هزینه نمی‌کنند، ایشان را از عذابی دردناک خبر ده» (توبه: ۳۴)

این آیه، کنز کردن طلا و نقره و خودداری از انفاق آن در راه خداوند را به شدت نهی کرده و ارتکاب این عمل را موجب عذاب شدید اخروی دانسته است. ظاهر آیه، حرمت کنز کردن هر مقدار طلا و نقره، حتی اندک، و لزوم انفاق (همه) آن در راه خداست. شدت عقوبت مذکور در این آیه، بیانگر اهمیت زیاد حکم مندرج در آن است. علیرغم برخورد قاطع این آیه با کنز، این بحث در ادبیات فقه اقتصادی چندان مورد توجه قرار نگرفته است. در مباحث فقهی، بحث از مفهوم کنز، انفاق فی در راه خدا، حد مجاز انباشت ثروت، میزان انفاقات واجب، امکان تعمیم حکم به غیر طلا و نقره از جمله پرسشی‌هایی است که فراروی فقیهان و مفسران قرار دارد. از طرف دیگر، در علم اقتصاد نیز مسائلی مانند تحلیل رفتار افراد در زمینه پس‌انداز و سرمایه‌گذاری، نقش پول به منزله وسیله ذخیره ارزش، ارتباط کنز با انگیزه سفته‌بازی برای تقاضای پول و نقش سفته‌بازی در عملکرد بازارهای مالی، توجه اقتصاددانان را به خود جلب کرده است.

با توجه به رابطه مستحکم دو حوزه معرفتی فقه و اقتصاد، بررسی کنز با رویکردی میان‌رشته‌ای می‌تواند به واقع‌نمایی بیشتر دیدگاه‌ها در این زمینه کمک کند. از این روی، این مقاله می‌کوشد با رویکرد فقهی - اقتصادی، پدیده کنز و کارکردهای اقتصادی آن را تبیین کند.

مفهوم عرفی کنز

در بیان لغت دانان کنز به معانی متفاوتی از جمله مالی که در زمین دفن شده،^۱ مالی که در ظرفی یا زمینی جمع و نگهداری شود،^۲ جمع کردن بعضی از مال روی بعضی دیگر،^۳ جمع کردن و ذخیره کردن مال،^۴ به کار رفته است.

صرف نظر از بخشی از تفاوت‌های موجود در تعبیر لغویان که ناظر به مضمون برخی احادیث کنز است، در مجموع می‌توان سه ویژگی برای مفهوم عرفی کنز استفاده نمود؛ جمع کردن، انباشتن و راکد گذاشتن. در معنای لغوی کنز، طلا و نقره، خصوصیت ندارد و هر نوع مالی که به این نحو ذخیره شود، کنز نامیده می‌شود؛ بر این اساس به نظر می‌رسد موضوع حرمت کنز در آیه شریفه نیز همان معنای لغوی است و طلا و نقره صرفاً برای مثال و از باب اینکه بیشتر انباشت و احتکار مال به وسیله آن انجام می‌شده، ذکر شده است.

مفهوم اصطلاحی کنز

در فرهنگ‌های اصطلاحی علوم اقتصادی، واژه «کنز» در مفاهیمی چون ذخیره‌کردن وجه نقد و عدم سرمایه‌گذاری آن در امور تولیدی و تجاری، جمع‌کردن بیش از اندازه مورد احتیاج اموال یا پول و حفظ آن در حالت رکود و پس‌اندازی که به سرمایه‌گذاری تبدیل نگردد، استفاده شده است. بر این اساس، طبق نظریه پولی مطرح شده، کنز‌کردن به مثابه نشت درآمد ملی محسوب می‌شود؛ زیرا پول را از گردش خارج می‌کند و از میزان درآمد می‌کاهد. هر اندازه که سهم بیشتری از درآمد به شکل پول، کنز شود، به همان میزان نیز از گردش پول کاسته می‌شود. باید توجه داشت این تعاریف بیانگر برداشت‌های سنتی از مفهوم کنز است. در برداشت‌های جدید، پدیده کنز معنای محدودتری دارد که صرفاً به کنار گذاشته شدن پول از بخش واقعی اقتصاد مربوط می‌شود؛ نه کل جریان اقتصاد.

کنز از دیدگاه اقتصاددانان غربی

چنانکه از تعریف‌های عرفی و اصطلاحی استفاده می‌شود، مفهوم اقتصادی کنز ارتباط تنگاتنگی با پول و کارکردهای آن دارد. بیشتر اقتصاددانان برای پول سه وظیفه وسیله مبادله، واحد سنجش ارزش کالاها و خدمات، و وسیله ذخیره ارزش بودن را ذکر کرده‌اند. به اعتقاد شومپیتر، میان ذخیره ارزش بودن پول و کنز رابطه نزدیکی وجود دارد. او سابقه اعتقاد به ذخیره ارزش بودن پول را به زمان ارسطو برمی‌گرداند و می‌گوید تعداد زیادی از اقتصاددانان بر روی ذخیره ارزش بودن پول تأکید کرده‌اند. او از کسانی مانند مارشال، فون میزس، کمرر و ایروینگ فیشر نام می‌برد که کنز پول را به مفهوم خرج نکردن و نگهداری آن به منزله یک دارایی دانسته‌اند.^۵ به اعتقاد شومپیتر، این اقتصاددانان گرچه بر نقش کنز کردن پول در ایجاد رکود با اطلاع بوده‌اند، و هابسون به طور خاص کنز کردن پول را علت اساسی ایجاد عدم تعادل و علت بیکاری اهمیت می‌داند، ولی این مسئله در مدل‌های تحلیل تعادل اقتصادی قبل از کنز‌چندان مورد توجه نبود. برای مثال، ژان باتیست سی در مدل تعادل بازارهای خود، پول را فقط وسیله مبادله در نظر گرفته و با این فرض نتیجه می‌گیرد که «عرضه کالاها بدون توجه به رفتار حجم پولی و سطح قیمت، باعث ایجاد تقاضا برای آنها می‌شود». در واقع، اگر پول را فقط وسیله مبادله در نظر بگیریم، دلیلی برای عدم تعادل اقتصادی نخواهیم داشت؛ زیرا در این صورت از آنجا که پول ذخیره نمی‌شود، هر عرضه‌ای به ناچار تقاضایی را به دنبال خواهد داشت و هر فرد یا بنگاهی به محض اینکه درآمد یا عایدی خود را دریافت کند، می‌کوشد آن را خرج کند. بر این اساس، اقتصاددانان کلاسیک اعتقاد داشتند دیگر هیچ‌گونه احتمالی برای عدم تعادل در کمتر از اشتغال کامل وجود نخواهد داشت.

انتقاد عمده‌ای که به اتحاد «سی» وارد شد این بود که او وظیفه ذخیره ارزش پول و در نتیجه این حقیقت که عامل دیگری به جز انگیزه معاملاتی در تقاضای پول نقش دارد را نادیده می‌گرفت. اولین کسی که متوجه این اشتباه شد جان مینارد کینز بود. او نشان داد که به دلیل وجود بهره و در نتیجه سفته‌بازی با پول در بازار پولی، مردم می‌توانند پول را در مواردی غیر از تقاضا برای کالا (تقاضای معاملاتی و شاید احتیاطی) به کار ببرند. وی با این کشف ساده ثابت کرد بر خلاف ادعای اقتصاددانان کلاسیک، اقتصاد سرمایه‌داری دارای مکانیزم خوداصلاح‌کننده نیست و اشتغال کامل همراه با ثبات قیمت‌ها از پیش‌آمدهای نادر این اقتصاد است.^۷ در نظریه کینز، مردم ممکن است با یکی از سه انگیزه، معاملاتی، احتیاطی و سفته‌بازی نگهداری کنند.

دو انگیزه اول در نظریه کینز نقش چندانی ندارد و او بیشتر بر انگیزه سفته‌بازی تأکید کرده و از آن با عنوان رجحان نقدینگی یاد می‌کند. کینز انگیزه سفته‌بازی را به تمایل افراد برای نگهداری منابع خود به شکل پول نقد، به منظور استفاده از نوسانات بازار؛ تعریف می‌کند. بر این اساس هرگاه فردی پیش‌بینی کند که نرخ‌های بهره در آینده بالاتر از نرخ فعلی بهره بازار می‌شود، پول نقد بیشتری نگهداری می‌کند و در صورتی که عکس آن را پیش‌بینی کند، به تهیه اوراق قرضه اقدام خواهد کرد.

کلاسیک‌ها بهره را پاداش صبر می‌دانستند و در فرض وجود نرخ بهره مثبت، ذخیره ارزش به وسیله پول را تصور نمی‌کردند؛ اما کینز نشان داد که به‌رغم وجود نرخ بهره، مردم ممکن است به سفته‌بازی با پول بپردازند. از این‌روی، او بهره را پاداش کنز نکردن می‌داند و نه صبر. از اینجا معلوم می‌شود کینز با ایجاد ارتباط بین مفاهیم سفته‌بازی، رجحان نقدینگی و ذخیره ارزش، مفهوم جدیدی از واژه کنز ارائه کرده است که نسبت به برداشت‌های قبلی (مطلق نگه داری پول)، محدوده تنگ‌تری را شامل می‌شود.^۸

تقاضای پول به انگیزه معاملاتی و احتیاطی در شرایط عادی، عمدتاً نتیجه فعالیت عمومی سیستم و سطح درآمد اسمی است؛ اما تقاضای پول به انگیزه سفته‌بازی در نظریه کینز و نگهداری پول به صورت راكد در دیدگاه سایرین، به دلیل آنکه موجب نشد درآمد می‌شود، مدیریت نظام اقتصادی را با مشکل مواجه می‌سازد. در این تقاضا، پولی که می‌توانست وسیله مبادله و گردش جریان اقتصادی و رونق آن باشد، به وسیله‌ای برای توقف آن تبدیل می‌شود. این مشکل که از وظیفه ذخیره ارزش بودن پول ناشی می‌شود، منشأ بسیاری از بحران‌ها و مشکلات اقتصادی مانند عدم تعادل، بیکاری و نوسان سطح عمومی قیمت‌ها است.^۹

راه حل سیلویو گِزِل برای جلوگیری از کنز

گزل در کتاب *نظام اقتصادی طبیعی از راه زمین آزاد و پول آزاد* تحلیل جالبی از مشکلات ناشی از کنز و احتکار پول ارائه داده است و برای حل آن پیشنهاد می‌کند از پول، متناسب با مدت زمان احتکار آن نزد افراد، مالیات اخذ شود. وی می‌گوید:

تا زمانی که پول به عنوان کالا از نظر پس‌انداز امتیازاتی نسبت به سایر کالاها داشته باشد و صاحب پول با پس‌انداز آن از این امتیازات ویژه برخوردار شود و نیز تا زمانی که رباخواران بتوانند بدون مجازات از امتیازات پول برای رباخواری استفاده کنند، پول علاوه بر کسب سود بازرگانی، در جریان گردش مبادلات قرار نمی‌گیرد. پول باید مبادلات را توسعه داده و ارزان کند؛ نه اینکه برای آن مانع و هزینه اضافی ایجاد نماید. این موضوع کاملاً روشن است که پول نمی‌تواند همزمان به عنوان وسیله پس‌انداز و مبادله باشد؛ یعنی هم نقش گاز و هم نقش ترمز را داشته باشد. از این نظر، باید نظام خالص پول کاغذی تحت نظارت دولت برقرار شود و دولت هم افزون بر کنترل حجم پول، بر سرعت گردش پول تسلط داشته باشد. بدین منظور، باید ابزار مبادلات در اقتصاد، به طور کامل از ابزار پس‌انداز مجزا شود. چرا پس‌اندازکنندگان که همه کالاهای موجود در جهان را برای پس‌انداز در اختیار دارند، علاقه‌مندند که فقط با پول پس‌انداز کنند؟ پول برای این به وجود نیامده است که وسیله پس‌انداز باشد.^{۱۰}

پیشنهاد گِزِل به وجود آمدن پول‌هایی است که صرفاً وسیله مبادله و سنجش ارزش باشند. همان‌طور که نگهداری کالا به علت شکستن، از مد افتادن، زنگ زدن و... در طول زمان هزینه‌بر است، نگهداری پول نیز باید از طریق الزام به چسباندن مهرهای تأیید هزینه داشته باشد.

کینز هم مانند گِزِل، برتری پول در مقایسه با کالاهای دیگر را مشکل اساسی اقتصاد سرمایه‌داری می‌داند و در کتاب *نظریه عمومی خود* با اشاره به پیشنهاد گزل می‌نویسد: «آن رفورمیست‌هایی که در پی به وجود آوردن هزینه برای نگهداری پول بودند و برای مثال از مهر زدن اسکناس بعد از گرفتن هزینه سخن می‌گفتند، در راهی درست گام برمی‌داشتند... مهر تأیید مجدد ارزش اسکناس اندیشه‌ای بسیار سازنده است.»

افزون بر کینز، ایروینگ فیشر، لارنس کلاین و موریس الیاس اندیشه‌های گزل را بسیار جدی دانستند و از آن تقدیر کردند.^{۱۱}

کنز از دیدگاه اقتصاددانان مسلمان

اقتصاددانان مسلمان دیدگاه‌های مختلفی درباره پدیده کنز مطرح کرده‌اند. برخی از آنان اساساً

وظیفه ذخیره ارزش بودن پول را انکار می‌کنند؛ در مقابل، برخی دیگر این وظیفه را به رسمیت می‌شناسند، ولی به دلیل آثار نامطلوب کنز بر پول و سایر متغیرهای اقتصادی، با نگهداری و راکد کردن پول مخالفند. در میان این گروه، برخی تعلق زکات بر پول را کد را راه حل مناسبی برای حل این مشکل می‌دانند، در حالی که برخی دیگر راه‌حلهایی نظیر راه‌حل گزل را پیشنهاد کرده‌اند.

شهید سیدمحمدباقر صدر پس از تبیین کارکرد پول در ایفای نقش خود به منزله وسیله مبادله و ذکر مزایای مبادلات پولی نسبت به مبادلات پایاپای، درباره نقش پول به عنوان ذخیره ارزش می‌فرماید:

نقش اخیر پول به عنوان وسیله ذخیره و پس انداز، در رژیم سرمایه‌داری که پس‌انداز را تشویق می‌کند، عامل خطرناکی است. چه، این امر تعادل عرضه و تقاضای کل را نسبت به مجموع کالاهای تولیدی و مصرفی به هم می‌زند. در صورتی که در دوره مبادله مستقیم کالاها، میان عرضه و تقاضا تعادل برقرار بود.

وی سپس با اشاره به اتحاد سی و تبیین نقش کنز کردن پول در ایجاد عدم تعادل‌های اقتصادی می‌گوید:

اختلاف اساسی میان اسلام و رژیم سرمایه‌داری را می‌توان از توجه به نقش‌های اصلی و فرعی پول که گفته شد، تشخیص داد. در رژیم سرمایه‌داری پول به عنوان وسیله پس‌انداز به رسمیت شناخته شده، در صورتی که اسلام با ذخیره پول مبارزه کرده و آن را مشمول مالیات قرار داده، و مردم را تشویق به مصرف پول در زمینه‌های تولیدی و مصرفی کرده است.^{۱۲}

از مجموعه مطالب شهید صدر استفاده می‌شود که ایشان مفهوم کنز را به معنای ذخیره‌سازی پول، و وضع زکات بر پول‌های اندوخته را ناظر بر جلوگیری از بروز آن می‌دانند. توتونچیان پس از آنکه بین مفهوم ظاهری وظیفه ذخیره ارزش بودن پول (ارزش را ذخیره کردن) و معنای باطنی و عمیق آن تمایز قائل می‌شود، درباره معنای واقعی، که آن را در رابطه با تقاضای پول به منزله یک دارایی و به اصطلاح تقاضای سفته‌بازی معرفی می‌کند، می‌گوید:

«پول در اقتصاد اسلامی نمی‌تواند ذخیره ارزش باشد؛ زیرا از پول در اقتصاد اسلامی قدرت و توانایی سفته‌بازی گرفته می‌شود و دیگر نمی‌تواند وظیفه ذخیره ارزش بودن را ایفا کند. ... به عبارت دیگر، به پول در اقتصاد اسلامی فقط دو قدرت و اختیار داده شده است؛ یکی توانایی انجام معاملات (شخصی و روزمره تولیدی و تجاری) و دیگری توانایی نگاهداری

برای نیازهای احتیاطی. در نتیجه، وظایف پول نیز به همین علت فقط شامل وسیله مبادله بودن و واحد محاسباتی خواهد بود.^{۱۳}

نویسندگان کتاب پول در اقتصاد اسلامی درباره ربط دادن کنز و ذخیره ارزش می‌نویسند:

این نظر نتیجه برداشت نادرست از دو مفهوم ذخیره ارزش و کنز است. مراد از ذخیره ارزش بودن پول این است که اگر کسی بخواهد ارزش مبادله‌ای را ذخیره و نگهداری کند، آن را به صورت پول نگه می‌دارد و این وظیفه یعنی ذخیره ارزش بودن برای پول در اقتصاد اسلامی و غیر آن وجود دارد.^{۱۴}

به تعبیر توتونچیان، به نظر می‌رسد نویسندگان مزبور از کنز معنای ظاهری آن را اراده کرده‌اند. سید کاظم صدر در کتاب اقتصاد صدر اسلام^{۱۵} نیز محتوای آیه کنز در صدر اسلام را تحریم خارج کردن سکه‌های درهم و دینار از جریان گردش پول دانسته است.

یوسفی^{۱۶} کنز در جوامع سنتی را به دلایلی چون پس‌انداز، نبود نهادهای مناسب به‌منظور جذب این اموال، ناچیز بودن هزینه ناشی از تورم برای نگهداری پول، تفاخر و تکاثر، حرص و ولع، ترس از ناامنی و خطر می‌داند. در حالیکه امروزه به دلیل وجود نهادهایی مانند بانک‌ها و از بین رفتن ناامنی و وجود هزینه تورم برای نگهداری پول، انگیزه نگهداری پول فقط سودجویی و سفته‌بازی است. وی آن‌گاه این پرسش را مطرح می‌سازد که آیا می‌توان به این نوع نگهداری پول کنز گفت؟

امیره عبداللطیف مشهور، کنز کردن را به معنای حبس و تعطیل کردن مال می‌داند^{۱۷} و معتقد است وظیفه پول در اقتصاد اسلامی در وسیله مبادله و وسیله سنجش ارزش بودن خلاصه می‌شود. از دیدگاه ایشان، فلسفه تحریم کنز در اسلام، جلوگیری از احتکار اموال و انحصار آن در دست ثروتمندان و به تبع آن پیشگیری از بحران‌های اقتصادی و تغییرهای قدرت خرید پول و ایجاد حقد و کینه در میان مردم است. وی در تأیید دیدگاه خود، ضمن اشاره به برخی تجارب تاریخی مانند تجربه یکی از شهرهای جنوبی فرانسه در سال ۱۹۵۹ و تجربه شهردار وگل اتریش در سال ۱۹۲۲، درباره تجربه قرون وسطا در اروپا می‌گوید:

در قرون وسطا و عصر حاکمیت کلیسا که سستی بر اروپا حاکم شده بود، مؤرخان یک شکوفایی اقتصادی را ثبت کرده‌اند و این در اثر آن بوده است که حاکمان به خاطر منافع مادی خود، پول‌های طلا را در دوره‌های زمانی کوتاه از دور خارج کرده و پول‌های جدید به جای آن منتشر می‌کردند. لذا افراد نگران این تغییرات ناگهانی بودند و میل به نگهداری پول نقد در آنها ضعیف بود و ترجیح می‌دادند پول را به کالا و خدمات تبدیل کنند که از

بین نرود. در نتیجه پول به گردش درمی‌آید و سرعت گردش آن بالا می‌رود و این منجر به گشایش اقتصادی می‌شود.

یوسف حامد العالم^{۱۸} و زیدان عبدالفتاح قعدان^{۱۹} نیز کنز را به معنای راکد گذاشتن مال، و فلسفه تحریم کنز را حفظ مصالح اجتماعی می‌دانند.

محمد ابوسعود، استفاده از پول به منزله ذخیره ارزش را منشأ مشکلات بسیار می‌داند: «لازم است نوع جدیدی پول نشر داد و بر آن مالیاتی جز زکات وضع کرد تا از انباشت آن جلوگیری شود و جریان مستمر آن تضمین گردد و از هرگونه درآمد ربوی از طریق آن جلوگیری شود». او از ایده پول تمبردار به منزله اقدامی عملی طرفداری می‌کند.^{۲۰}

ابوحامد محمد غزالی معتقد است چون پول دارای وظیفه مبادله است؛ اگر کسی از آن به گونه‌ای استفاده کند که خلاف غرض آن باشد، کار خلافی انجام داده و ظالم است. بنابراین، گنج ساختن، کنز کردن و پس‌اندازی که موجب راکد ساختن باشد، ظلم است؛ این شبیه آن می‌ماند که حاکم مسلمانان را در زندان نگاه‌دارند تا کارها بر اساس عدل در جامعه استوار نگردد. پول برای گردش در دست مردم است و نباید آن را حبس کرد.^{۲۱ و ۲۲}

مفهوم انفاق فی سبیل الله

با توجه به اینکه قرآن کریم انفاق فی سبیل الله را در برابر کنز قرار داده است؛ برای درک بهتر مفهوم کنز باید مفهوم انفاق فی سبیل الله را نیز بررسی کنیم؛ واژه انفاق از ماده نفق و در اصل به معنای تمام شدن، مرگ یا از بین رفتن است و انفاق مال به معنای خرج کردن و صرف آن است. کلمه سبیل الله به معنای راه خداست و در اصطلاح آیات و روایات در دو معنا به کار رفته است؛ یکی خصوص راه‌هایی که هیچ‌گونه نفع شخصی در آن دخالت نداشته و تنها برای اطاعت فرمان الهی و اغراض دینی انجام شود؛ مانند جهاد با دشمنان خدا و پرداخت زکات به فقرا و دیگری صرف آن در راه‌هایی که مرضی خداوند باشد؛ هرچند نفع و غرض شخصی هم در آنها دخالت داشته باشد. در چند مورد از روایات مربوط به معنای دوم اشاره می‌شود:

۱. پیامبر خدا ﷺ فرمودند: «چنین نیست که سبیل الله فقط مخصوص جهاد و شهادت باشد. هر کس برای پدر و مادرش تلاش کند در راه خداست و هر کس که برای خانواده‌اش تلاش کند در راه خداست و هر که برای محافظت از آبروی خویش کوشش کند در راه خداست و هر کس که به منظور زیاده‌طلبی گام بردارد، تلاش او در راه شیطان است».^{۲۳}
۲. در روایتی از رسول خدا ﷺ نقل شده است: آنچه برای خانواده خود بدون زیاده‌روی و تنگ‌نظری خرج می‌کنید، «فی سبیل الله» محسوب می‌شود.^{۲۴}

۳. انس بن مالک می گوید در جنگ تبوک همراه رسول خدا ﷺ بودیم، جوان بانشاطی از کنار ما عبور کرد که گوسفندانش را می برد، پس ما گفتیم اگر جوانی این مرد در راه خدا (فی سبیل الله) صرف می شد برایش بهتر از چوپانی بود! این سخن ما به گوش پیامبر ﷺ رسید و فرمود: شما چه گفتید؟ گفتیم:... فرمود: آگاه باشید اگر چنانچه او برای پدر و مادرش و یا یکی از آنها تلاش می کند، پس او در راه خداست و اگر برای خودش تلاش می کند، پس او [باز هم] در راه خدای عزوجل گام برمی دارد.^{۲۵}

کلینی روایات متعددی از امامان معصوم ﷺ آورده است که در آنها پاداش کوشش برای تأمین مخارج خانواده برابر و یا بزرگتر از پاداش جنگیدن در راه خدا معرفی شده است.^{۲۶} چنان که از امام رضا ﷺ نقل می کنند که فرمود: «کسی که از فضل خداوند متعال چیزی برای تأمین خانواده اش طلب می کند، اجر بزرگتری از جهادگر در راه خدا خواهد داشت».

بنابر معنای اول، انفاق فی سبیل الله فقط شامل انفاق واجب خواهد بود که به اعتقاد اهل سنت در شرایط عادی منحصر در زکات و از دیدگاه فقیهان شیعه شامل خمس هم می شود.^{۲۷} اما بر اساس معنای دوم، انفاق فی سبیل الله تمامی مخارجی را که با رعایت ضوابط شرعی صورت گرفته باشد، در بر می گیرد. در این معنا، آنچه مهم است رعایت اعتدال در تأمین هزینه ها زندگی، و مشروع بودن مورد هزینه و پرداخت وجوه واجب شرعی مثل زکات و خمس و مشارکت داوطلبانه در امور خیریه و هزینه های اجتماعی است و اصولاً راه خدا که راه صحیح زندگی است، معنایی جز این نمی تواند داشته باشد.

در اینجا ممکن است سؤال شود که اگر معنای اصلی راه خدا همان معنای دوم است، چرا در بسیاری از آیات قرآن کریم سبیل الله صرفاً در معنای اول به کار رفته است. پاسخ این است که اوامر و مناهی دین برای ایجاد انگیزه در نفس انسان است و انگیزه طبیعی انسان در تمامی موارد خرج کردن یکسان نیست؛ در مواردی که منافع شخصی وجود داشته باشد، نیازی به ایجاد انگیزه از خارج نفس نیست؛ بلکه انسان ممکن است دچار زیاده روی هم بشود از این روی، از اسراف، تبذیر و اتراف نهی شده است؛ اما در مواردی که انگیزه نفع شخصی وجود ندارد، اولاً لازم است تکلیف قرار داده شود و ثانیاً با بیان مداوم این تکلیف، انگیزه نیرومندی در نفس برای انجام آن عمل به وجود آید. بنابراین، از میان مواردی که صرف پول در آنها راه خدا محسوب می شود، بیشتر به مواردی تأکید شده است که معمولاً در آنها انگیزه نفع شخصی وجود ندارد. بر این اساس، طبعاً استعمال اصطلاح انفاق فی سبیل الله در قرآن کریم، بیشتر در اموری است که صرفاً با اغراض دینی و الهی انجام می شوند؛ ولی معمولاً در چنین مواردی، این معنی با قرائن مختلف فهمیده می شود و روشن است که این گونه فراوانی کاربرد برای لفظ، معنای

حقیقی جدید درست نمی‌کند؛ هرچند این توهم برای بسیاری از افراد، همانند توهمی که یاران پیامبر ﷺ داشتند، به وجود می‌آید.

بسیاری از اقتصاددانان مسلمان، انفاق فی سبیل‌الله در آیه کَنز را به معنای دوم دانسته‌اند از جمله یوسف حامد العالم،^{۲۸} امیره عبداللطیف،^{۲۹} عبدالله مختار یونس،^{۳۰} و یوسفی^{۳۱} پس از آنکه دو معنای مزبور را برای انفاق در راه خدا ذکر کرده، معنای دوم را برگزیده است.

دیدگاه‌های موجود در تبیین آیه کَنز

بر اساس مفاد ظاهر آیه کَنز در آیه ۳۴ سوره توبه، ذخیره‌سازی هر مقدار طلا و نقره، حتی به مقدار کم حرام است و خرج کردن تمامی آن در راه خدا واجب است. از آنجا که ظاهر آیه با ظواهر نصوص دینی دیگر مبنی بر عدم وجوب انفاق جمیع مال فی سبیل‌الله قابل جمع نیست، مفسران در تفسیر آن اقوال مختلفی را مطرح کرده‌اند:

دیدگاه اول

مشهور فقهای شیعه و اهل سنت معتقدند که ذخیره‌سازی و انباشت ثروت و درآمد به صورت مطلق حرام نیست و مراد از انفاق فی سبیل‌الله فقط پرداخت زکات است. بنابراین، بعد از پرداخت زکات، چیز دیگری بر انسان واجب نیست و ذخیره‌سازی و انباشت ثروت اشکالی نخواهد داشت. فخر رازی در تفسیر آیه کَنز این قول را به دانشمندان بزرگ صدر اسلام نسبت داده و ظاهراً خود او نیز همین قول را انتخاب کرده است. مجمع البیان و تفسیر نمونه نیز همین قول را با اندکی اختلاف پذیرفته‌اند. دلیل این قول، روایاتی است که اهل سنت از ابن‌عمر و دیگران نقل کرده‌اند که می‌گویند به چیزی که زکاتش را داده باشند، کَنز نگویند. در برخی روایات شیعی نیز این مضمون از رسول خدا ﷺ نقل شده است؛ مانند روایتی که شیخ طوسی از آن حضرت نقل کرده است.^{۳۲}

گرچه این دیدگاه مطابق مشهور است، اما به چند دلیل قابل قبول نیست: (۱) این برداشت از طرفی با مفهوم عرفی کَنز سازگار نیست؛ (۲) تفسیر مزبور مخالف ظاهر آیه است. ظاهر آیه ممنوعیت کَنز طلا و نقره به صورت مطلق (چه زکات آن پرداخت شده باشد یا نباشد) و لزوم انفاق همه آن در راه خداست (نه جزئی از آن که زکات باشد)؛ (۳) همه روایات مورد استناد این دیدگاه (حتی با مبانی رجالی اهل سنت) ضعیف و غیر قابل استناداند؛^{۳۳} (۴) انفاق واجب منحصر در زکات نیست و شامل خمس، جهاد و... نیز می‌باشد؛ (۵) این دیدگاه مخالف با ظاهر بسیاری از روایات دیگر است که در مستندات دیدگاه‌های بعدی ذکر خواهد شد.

دیدگاه دوم

ذخیره‌سازی و راکد گذاشتن مال، به‌ویژه پول مطلقاً حرام است و برای اجتناب از چنین چیزی باید مال را در معرض مبادله و گردش اقتصادی گذاشت. مراد از انفاق در راه خدا نیز فقط انفاق‌های واجب، مانند ادای زکات و صرف مال در جهاد است. در این قول، مفهوم کنز مستقل از زکات است. صاحبان این دیدگاه همه روایات مورد استناد قول اول را ضعیف و غیرقابل استناد می‌دانند و در مقابل، به اطلاق تحریم کنز در آیه و روایاتی که صراحت در عموم کنز دارند، تمسک می‌کنند. بر اساس این قول، مقدار مالی که برای تأمین مالی مخارج عادی زندگی کنار گذاشته می‌شود، موضوعاً از شمول کنز خارج است و عرفاً به چنین چیزی نفقه گفته می‌شود. یکی از مستندات این قول، سخن امام علی علیه السلام است: «هرآنچه بیشتر از چهارهزار درهم باشد، کنز است؛ زکاتش پرداخت شده باشد یا نشده باشد و پایین‌تر از آن نفقه محسوب می‌شود».^{۳۴}

تعیین مقدار نفقه به عرف زمان و مکان بستگی دارد و ذکر چهارهزار درهم در این روایت، معرّف مقدار نفقه در زمان آن حضرت است. بنابراین، هر چیزی که از نظر عرف زائد بر نفقه باشد و کنار گذاشته شود، کنز به‌شمار می‌آید. چنان که از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده است: «لیک دینار کنز است و یک درهم کنز است و یک قیراط کنز است».^{۳۵}

صاحبان این دیدگاه فلسفه حرمت کنز را به چرخش درآمدن چرخ‌های اقتصادی جامعه و استفاده از امکانات موجود آن می‌دانند و می‌گویند همین که ثروت از حالت رکود خارج شده و فعال شود، جامعه استفاده خود را خواهد برد؛ یکی با سود فروش و یکی با دستمزد و یکی با خرید و مصرف و... این گروه تا اینجا با یکدیگر اختلافی ندارند؛ ولی در توجیه وجوب انفاق فی سبیل‌الله به شیوه‌های متفاوتی استدلال کرده‌اند.

علامه طباطبایی رحمه‌الله، پس از بیان فلسفه حرمت کنز می‌فرماید: «بعید نیست که وجوب انفاق در آیه شریفه اطلاق داشته و با عنایت به نکته‌ای که در فلسفه تحریم کنز بیان نمودیم، انفاق‌های مستحبی را هم شامل شود؛ چرا که کنز کردن اموال در واقع موضوع انفاق مستحبی را، نظیر انفاق واجب، از بین می‌برد و چنین نیست که فقط انفاق مستحبی در موردی که صلاحیت آن را داشته، ترک شده باشد».^{۳۶}

نویسندگان کتاب «اقتصاد در فقه اسلامی» نیز این دیدگاه پذیرفته‌اند، آنان می‌گویند:

... از آیه شریفه بیش از این استفاده نمی‌شود که گنج طلا و نقره و زراندوزی و امتناع از پرداخت حقوق واجبه الهی حرام و موجب عقاب و انفاق فی سبیل‌الله لازم، ولی خصوصیت

کمی و کیفی و شکل اجرا کردن آن بر عهده حاکم اسلامی است که در صورت مصلحت، اقدام خواهد کرد.^{۳۷}

آیت‌الله سیدمحمد حسینی شیرازی درباره انفاق فی سبیل‌الله همانند علامه طباطبایی نظر داده است، ولی فلسفه تحریم کنز را به جریان افتادن مال نمی‌داند.^{۳۸}

مؤلف کتاب مالکیت خصوصی در اسلام با استناد به فراز «فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ» در آیه کنز که خطاب به پیامبر ﷺ در مقام ولی امر است، وجوب انفاق در این آیه را وجوب ولایی می‌داند که مقام ولی امر به هنگام ضرورت و وجود مصلحت، وضع می‌کند. به اعتقاد ایشان، روایت معاذبن کثیر از امام صادق ﷺ نیز مؤید همین معناست.^{۳۹} در این روایت آمده است: «شیعیان ما آزاد هستند، از آنچه در دست‌شان است به اختیار خود در راه‌های معروف خرج کنند. پس هنگامی که قائم ما قیام کند، بر هر صاحب گنجی، گنجش حرام می‌شود تا اینکه پیش آن حضرت بیاید و او را در جنگ با دشمنانش یاری دهد و این است قول خداوند متعال «وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَ...».^{۴۰}

این دیدگاه در بیان فلسفه تحریم کنز در مقایسه با دیدگاه اول تبیین بهتری ارائه کرده است؛ اما تفسیر آن از انفاق فی سبیل‌الله با ظاهر آیه که دلالت بر لزوم انفاق همه مال می‌کند سازگار نیست. همچنین انفاقی با فلسفه مورد قبول آنها برای حرمت کنز نیز ناسازگار است؛ زیرا چنانچه کسی تمامی انفاق‌های واجب را انجام داده باشد، ولی باقیمانده مال خود را راکد بگذارد، از ناحیه انفاق فی سبیل‌الله مرتکب خلافی نشده است؛ اما همچنان فلسفه تحریم کنز را نقض کرده است.

دیدگاه سوم

دیدگاه سوم درباره تفسیر آیه کنز در این جهت که حرمت کنز موضوعی مستقل از زکات است، با دیدگاه دوم مشترک است؛ ولی انفاق فی سبیل‌الله را به معنای دومی که در معنای انفاق فی سبیل‌الله گذشت، می‌داند. بر این اساس، انباشتن و راکد نگه‌داشتن مال حرام است، ولی صرف به جریان انداختن آن هم کافی نیست؛ بلکه گردش مال باید منطبق بر ضوابط اسلامی باشد؛ به گونه‌ای که انفاق فی سبیل‌الله بر آن صدق کند. در این دیدگاه، انفاق فی سبیل‌الله به معنای خرج کردن مال در راه‌های مورد رضایت خداوند و با رعایت ضوابط شرعی است. با این بیان، مفاد آیه کنز، تأسیس یک قاعده کلی درباره چگونگی تخصیص درآمد خواهد بود. لذا برای شناختن احکام جزئی و ضوابط انفاق فی سبیل‌الله باید به ادله خاص آنها مانند، حرمت اسراف، حرمت تبذیر، وجوب زکات، وجوب خمس و احکام ایثار، مواسات، صدقات و... مراجعه کرد.

نظیر این قاعده کلی در برخی از روایات نیز آمده است. برای مثال، در روایتی از پیامبر اکرم علیه السلام آمده است: «ما برای انباشتن مال نیامده‌ایم؛ بلکه رسالت ما خرج کردن (صحیح) آن است». ^{۴۱} امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «خداوند این اموال زیاده را به شما داده است تا در مسیری که خدا سؤق داده است سوق دهید و نداده است که آن را انباشته سازید». ^{۴۲}

این دیدگاه مورد پذیرش بیشتر بسیاری از اقتصاددانان مسلمان قرار گرفته است. بیان شهید صدر و علامه سیدمحمد حسین فضل‌الله نیز به این دیدگاه نزدیک است. ^{۴۳}

دیدگاه چهارم

دیدگاه چهارم در تبیین محتوای آیه کenz کاملاً متفاوت از سه دیدگاه قبلی است. بر اساس این دیدگاه آنچه در اسلام با عنوان کenz تحریم شده، جمع‌آوری ثروت مازاد بر نیاز، بدون پرداخت حقوق الهی متعلق به آن است (نه راکد گذاشتن پول یا مال) بر این اساس، صرف خارج کردن پول از جریان گردش حرام نیست. برداشت این گروه از مفهوم انفاق فی سبیل‌الله همانند دیدگاه علامه طباطبایی است و صرف مال در راهی که دارای منافع شخصی است را مصداق سبیل‌الله نمی‌دانند. بنابراین، کenz ذهب و فضه به معنای جمع کردن ثروت و ذخیره آن برای خود است، نه به معنای راکد داشتن مال و به گردش در نیاوردن آن. از این روی، چنانچه مالی با گردش خود برای شخص ثروت‌آفرین باشد، باز هم مشمول کenz خواهد بود؛ زیرا مال در راه خدا صرف نشده است. این گروه روایات وارد شده در تفسیر آیه را مستند دیدگاه خود می‌دانند؛ از جمله قول امام صادق علیه السلام که فرمود: «خداوند این اموال (مازاد بر هزینه زندگی) را به شما داد تا آن را در راهی که نشان داده به کار برید و این اموال را به شما نداد تا کنزشان کنید».

سیدقطب در کتاب *عدالت اجتماعی در اسلام* ^{۴۴} و سیدحسین میرمعزی ^۱ (۱۳۸۲) از این دیدگاه حمایت کرده‌اند.

در ارزیابی این دیدگاه باید گفت توجه این دیدگاه به پیام آیه در خصوص انگیزه ثروت‌اندوزی که از ذیل فراز «... هَذَا مَا كَنْزْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ فَذُوقُوا مَا كَنْتُمْ تَكْنِزُونَ» به روشنی به دست می‌آید، از مزایای آن می‌باشد. اشکال این تفسیر آن است که اگر چنین برداشتی صحیح باشد، از آنجا که ظاهر آیه حرمت کenz مطلق طلا و نقره و وجوب انفاق همه آن در راه خداست، باید گفت اسلام به طور کلی ثروت مازاد بر نیاز را حرام کرده و به انفاق آن در راه خدا دستور داده است. در حالی که بطلان این حرف واضح است. افزون بر این، لازمه این دیدگاه آن است که سرمایه‌گذاری و تشکیل سرمایه‌های تولیدی حتی با اهداف صحیح مانند تأمین نیازهای عادی و

توسعه امکانات فردی در چارچوب شرع و تحصیل قدرت انفاق نیز جایز نباشد. البته این نیز از نظر فتوای فقیهان و سیره متشرعه قابل دفاع نیست.

افزون بر دیدگاه‌هایی که ذکر شد، دیدگاه‌های دیگری نیز مانند اختصاص آیه به اهل کتاب مطرح شده است که به دلیل کم اهمیت بودن بدان‌ها نمی‌پردازیم.^{۴۵}

دیدگاه مختار

با توجه به مطالب قبلی درباره مفاهیم عرفی و اصطلاحی کنز و انفاق فی سبیل‌الله و دیدگاه‌های موجود، به نظر می‌رسد که دیدگاه سوم می‌تواند با اصلاحاتی از جمله در نظر کردن بخش‌هایی از دیدگاه چهارم مورد پذیرش قرار گیرد.

همانگونه که قبلاً اشاره شد، از بررسی مفهوم لغوی کنز سه خصوصیت جمع کردن، انباشتن و راکد گذاشتن برای مفهوم کنز به دست می‌آید. بنابراین، مفاد حرمت کنز با توجه به صدر آیه و صرف‌نظر از قرائن دیگر، حرمت در انباشتن طلا و نقره و خارج ساختن آنها از جریان امور اقتصادی است. از عبارت «هَذَا مَا كَنْزْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ» نیز استفاده می‌شود که انگیزه ثروت‌اندوزی و تکاثر نیز در حرمت این عمل مؤثر است. در بررسی زمینه تاریخی پیدایش کنز بیان شد که طلا و نقره دو موضوع رایج و غالب برای کنزکنندگان بوده‌اند؛ همان‌گونه که در زمان‌های دیگر نیز هر گونه پولی که ارزش نسبی آن داری ثبات باشد و نگهداری آن هزینه کمتری داشته باشد، وسیله مناسبی برای کنز خواهد بود. بنابراین، حرمت کنز اختصاص به طلا و نقره و پول‌های درهم و دینار ندارد و شامل پول‌های امروزی هم می‌شود. همچنین همان‌طور که فخر رازی در *التفسیر الکبیر*،^{۴۶} طبرسی در *مجمع البیان*،^{۴۷} رشیدرضا در *تفسیر المنار*^{۴۸} و علامه علامه طباطبایی در *تفسیر المیزان*^{۴۹} و بسیاری از مفسران دیگر گفته‌اند، موضوع حرمت کنز در آیه شریفه داری‌های غیرپولی را نیز در بر می‌گیرد.

باید توجه شود که برداشت ما در این مرحله صرفاً با تکیه بر ظاهر آیه و صرف‌نظر از روایات است. از این‌روی، آن دسته از معانی مذکور در کتب لغت که از روایات اخذ شده‌اند، را نادیده گرفتیم. برای مثال، معنایی که طریحی در *مجمع البحرین* برای کنز ذکر می‌کند - کنز یعنی مالی که زکاتش داده نشده باشد؛ هر چند روی زمین باشد - مضمون یک حدیث نبوی است و به عنوان مفهوم لغوی قابل استناد نیست. همان‌طور که روایات حاوی این مضمون چنان که در بررسی قول دوم بیان شد، نیز سند قابل اعتمادی ندارند. در مقابل روایات دیگری وجود دارد که مازاد بر دو هزار درهم و یا چهار هزار درهم را کنز به شمار می‌آورد؛ هرچند زکاتش هم پرداخت شده باشد.

چنین مفهومی که از ظاهر آیه به دست می‌آید، با نکاتی که اقتصاددانان درباره فلسفه ممنوعیت کنز و پیامدهای آن بر عملکرد اقتصاد بیان کرده‌اند، سازگار است. ظاهر بسیاری از روایات تفسیری نیز همین معناست. برای نمونه، ابوامامه می‌گوید مردی از میان اهل صفا و وفات کرد؛ در لباسش یک دینار پنهان کرده بود که پیدا شد. رسول خدا ﷺ فرمود: «کیه»؛ یعنی این یک چیزی است که با آن گداخته خواهد شد. سپس مرد دیگری فوت کرد که از لباس او دو دینار پیدا شد. رسول خدا ﷺ فرمود: «کیتان». ^{۵۰} با توجه به اینکه اهل صفا گروهی از نیازمندان اصحاب بودند که در فقر شدید به سر می‌بردند و به دلیل نداشتن مسکن در کنار مسجد پیامبر ﷺ اسکان یافته بودند و مقدار پولی هم که ذخیره کرده بودند کمتر از حد نصاب وجوب زکات بوده، روشن است که عقوبت مذکور در این گونه احادیث بر جمع کردن و کنار گذاشتن پول (مال) صرف‌نظر از مازاد بر نیاز بودن و یا تعلق زکات و پرداخت آن بیان شده است. چه بسا این احادیث تک‌تک قابل استناد نباشند، اما مجموعه آنها با توجه به سایر قرائن و شواهدی که گذشت، اطمینان‌بخش است. ^{۵۱}

گام بعدی در تکمیل تبیین آیه، فهمیدن مفهوم «وَلَا يَنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ» است. چنان که پیش از این در معنای انفاق فی سبیل‌الله گفته شد، یکی از معانی سبیل‌الله راه عامی است که خداوند برای زندگی فردی و اجتماعی انسان قرار داده است. بر این اساس، انفاق فی سبیل‌الله همان گونه که خرج کردن در مصالح اجتماعی را شامل می‌شود، مصالح خود فرد را نیز در برمی‌گیرد. در حالی که معنای خاص سبیل‌الله (مصالح عمومی و غیرشخصی) در اینجا تناسب ندارد؛ زیرا در این صورت با توجه به اینکه ضمیر «ها» در «ینفقونها» به طلا و نقره برمی‌گردد (نه به جزء آنها)، باید بگوییم هرگونه جمع کردن ثروت مازاد بر نیاز ممنوع، و واجب است همه مازاد درآمد در مصالح عمومی هزینه شود و این نیز با عقیده عموم مسلمان ناسازگار است.

با توجه به مفهوم عرفی کنز و انفاق فی سبیل‌الله و به قرینه هم‌نشینی این کلمات با یکدیگر و سیاق کلی آیه، درمی‌یابیم آنچه در این آیه تحریم شده است، مطلق جمع کردن و راکد نگه داشتن پول (مال) می‌باشد و واجب است تمام آن در راهی که مورد رضایت خداوند است (اعم از مصارف شخصی، مخارج اجتماعی و سرمایه‌گذاری) صرف شود.

مسئله مهمی که در اینجا باید به صراحت روشن شود آن است که چنانچه انسان با به گردش در آوردن و هزینه کردن پول (مال) خود در راه‌هایی که ذکر شد، به گونه‌ای عمل کند که ضمن پرداخت حقوق واجب مال و انجام برخی انفاقات مستحب، بر اثر سرمایه‌گذاری‌های پی‌درپی، تلاش مضاعف و خلاقیت در تولید و... به ثروت و سرمایه تولیدی انبوهی دست پیدا

یابد، آیا چنین عملی با روح کلی این آیه منافات دارد؟ پاسخ این مسئله بستگی به انگیزه انسان از جمع چنین ثروتی دارد. آنچه که از واژه سبیل‌الله در این آیه و موضع‌گیری قرآن کریم درباره تکاثر و تفاخر در ثروت اندوزی به دست می‌آید، این است که اگر چنین اقدامی با انگیزه تکاثر صورت گرفته باشد، باز هم مشمول این آیه خواهد بود؛ زیرا سبیل‌الله با تکاثر ناسازگار است، ولی چنانچه با اغراض صحیح از جمله توسعه زندگی خود (بدون اسراف) و کمک به هموعان و عزت و اقتدار جامعه اسلامی انجام داده باشد، نه تنها مشمول این آیه نیست، بلکه مستحق پاداش نیک خداوند نیز خواهد بود.^{۵۲}

برای این دیدگاه، افزون بر ظاهر آیه که توضیح داده شد، به روایات متعددی نیز می‌توان استناد کرد. از آنجا که مهم‌ترین این روایات در بررسی دیدگاه اول و دوم و اثبات دیدگاه سوم گذشت، از ذکر مجدد آنها خودداری می‌کنیم و تنها به چند مورد اشاره می‌کنیم.^{۵۳}

۱. سیره اقتصادی امامان^{علیهم‌السلام}: بررسی سیره امام علی^{علیه‌السلام}، نشان می‌دهد سرمایه‌تولیدی انبوه آن حضرت در حدی بوده است که زکات درآمد آن بیشتر ۴۰ هزار دینار، و برای اداره زندگی همه بنی‌هاشم کافی بود.^{۵۴} بی‌تردید همه درآمد این ثروت انبوه و در نهایت خود این سرمایه در راه خدمت به مردم صرف شد؛ اما نکته مرتبط با موضوع بحث ما این است که تشکیل چنین سرمایه انبوهی بدون پس‌انداز و سرمایه‌گذاری مستمر به هیچ وجه ممکن نبود. بی‌شک هزینه کردن مازاد درآمد برای تشکیل چنین سرمایه‌ای و با چنین انگیزه‌ای از مصادیق روشن هزینه کردن مال در راه خداست؛ بر خلاف سیره برخی از ثروت‌مندان آن زمان که ثروت انباشته آنان پیامدی جز تفاخر و تکاثر نداشت.

سیره امام صادق^{علیه‌السلام} در تشکیل سرمایه تجاری نیز گواه دیگری بر صحت برداشت ماست. «محمدبن عذافر از پدرش نقل می‌کند:

امام صادق^{علیه‌السلام} هزار و هفتصد دینار به پدرم داد و فرمود: با آن تجارت کن. سپس فرمود: من تمایلی به سود آن ندارم. سود دوست داشتنی است، ولی من دوست دارم که خداوند مرا ببیند که متعرض فواید او شده‌ام. عذافر می‌گوید: برای امام^{علیه‌السلام} صد دینار سود کسب کردم؛ آن‌گاه ایشان را ملاقات کردم و گفتم: برای شما در این سرمایه ۱۰۰ دینار سود کسب کرده‌ام. امام^{علیه‌السلام} به این سبب به شدت خوشحال گردید و فرمود آن را در سرمایه من قرار بده.^{۵۵}

۲. مواضع ابوذری: موضع‌گیری ابوذری در برابر عثمان و معاویه در کتاب‌های تاریخی مشهور است. او در مقابل ثروت‌اندوزان زمان خود آیه کُنز را تلاوت می‌فرمود و آنان را مصداق این آیه می‌دانست و وقتی که در مورد سند این‌گونه برداشت از ایشان سؤال می‌شد، به احادیث

پیامبر ﷺ استناد می‌کرد. از آنجا که اباذر از نزدیک‌ترین یاران پیامبر ﷺ بود و مواضع او مورد تأیید و حمایت امیرالمؤمنین ﷺ نیز قرار داشت، بررسی سیره او به فهم بهتر آیه کنز کمک خواهد کرد. عبدالله بن صامت می‌گوید: همراه ابوذر بودم که دریافتی (عطای) او از بیت المال رسید. همراهش کنیزی بود که نیازهای او را تهیه می‌کرد. هفت درهم (یا دینار) زیاد آمد که به او دستور داد آنها را بفروشد و به جای آنها فلوس (پول‌های خرد فلزی از غیر طلا و نقره) تهیه کند. عبدالله بن صامت می‌گوید به او گفتم اگر آنها را برای نیازهای آینده و یا میهمانان خود ذخیره می‌کردی خوب بود. او گفت: دوستم رسول خدا ﷺ به من فرمود: هر طلا و نقره‌ای که کنار گذاشته شود سنگ گذاخته‌ای خواهد بود بر علیه صاحبش تا اینکه آن را در راه خداوند خرج کند.^{۵۶}

نکته قابل توجه در این سیره، خودداری ابوذر از نگهداری طلا و نقره (پول‌های رایج آن زمان) و تطبیق این عمل بر حرمت کنز است. این نکته در برخی سخنان دیگر او نیز دیده می‌شود. برای مثال، در یکی از برخوردهای اباذر با جماعتی از قریش که ایشان را به عنوان کنزکنندگان مورد توبیخ قرار داده بود، وقتی از علت این برخورد با او سؤال شد، در پاسخ به این سخن رسول خدا ﷺ که «دوست ندارم به اندازه احد طلا داشته باشم، همه را انفاق کنم سه دینار از آن باقی بماند»^{۵۷} استشهاد کرد. ملاحظه می‌شود که در اینجا نیز سخن از جمع کردن مالی نیست که زکات و یا حقوق مالی آن پرداخت نشده باشد؛ بلکه بر خودداری از نگهداری مطلق طلا و نقره، حتی به مقدار خیلی کم تأکید شده است.

نکته برجسته دیگر در مواضع ابوذر، تطبیق آیه کنز بر ثروت‌اندوزی تکاثری است. دقت در مخاطبان او نشان می‌دهد که آنها عموماً کسانی بودند که با دست‌اندازی به درآمدهای بیت‌المال مسلمانان، ثروت را مایه تفاخر و تکاثر و استحمار مردم قرار داده بودند:^{۵۸}

۳. روایات سرمایه‌گذاری: افزون بر نکاتی که از سیره‌ی عملی امامان معصومین ﷺ درباره مطلوب بودن سرمایه‌گذاری استفاده کردیم، در سخنان ایشان نیز این امر مورد تشویق قرار گرفته است. «زراره می‌گوید از امام صادق ﷺ شنیدم که می‌فرمود: مرد چیزی سخت‌تر از مال صامت (پول) از خود به جا نمی‌گذارد. گفتم: با آن چه کند؟ فرمود: آن را در حائط - یعنی در بستان یا خانه - هزینه نماید».^{۵۹}

امام صادق ﷺ به غلام آزاد شده خود (مصادف) فرمود: برای خود زمین کشاورزی و باغی تهیه کن؛ هرگاه حادثه یا مصیبتی بر انسان نازل شود و بداند که پشتوانه‌ای دارد که با آن می‌تواند خانواده‌اش را اداره کند، گشایش روحی بیشتری خواهد داشت».^{۶۰} از این احادیث استفاده می‌شود آنچه در اسلام منع شده، پس‌انداز را کد است، وگرنه اختصاص بخشی از مازاد

درآمد به سرمایه‌گذاری با اهداف خداپسندانه و به دور از تفاخر و تکاثر، مرضی خداوند و مورد تشویق اسلام است.

به طور خلاصه، دیدگاه ما در تبیین حرمت کنز تا حدود زیادی همانند دیدگاه سومی است که پیش‌تر ذکر شد. با این تفاوت که یک جنبه از دیدگاه چهارم، یعنی نفی انگیزه تکاثر و تفاخر را نیز برای تکمیل آن لازم می‌دانیم.

دلالت‌های حرمت کنز

با توجه به موضع‌گیری شدید قرآن کریم درباره کنز و لزوم انفاق فی سبیل‌الله و ارتباط این مفاهیم با موضوعات مهمی چون پول، مالیات، بازارهای مالی، مصرف، سرمایه‌گذاری و...، لازم است برخی دلالت‌های این حکم برای فرهنگ، اخلاق و حقوق اقتصادی اسلام را به اختصار توضیح دهیم.

۱. دلالت حرمت کنز در زمینه وظایف پول: حرمت کنز نفی کننده ذخیره ارزش‌بودن پول نیست؛ زیرا ذخیره ارزش بودن خاصیت تکوینی هرچیزی است که بتواند وسیله مبادله و وسیله سنجش ارزش باشد و چنان‌که گفته شده، احکام شرعی این‌گونه ویژگی‌های طبیعی را از میان بر نمی‌دارد.^{۶۱} بنابراین، اولاً پول به لحاظ ویژگی‌های ذاتی‌اش می‌تواند ارزش اقتصادی را ذخیره کند و از این طریق فاصله زمانی میان فروش یک کالا و خرید کالای دیگر را پر کند؛ ثانیاً نگهداری پول حتی در صورت عمدی بودن در حد مخارج متعارف یک سال مجاز است. ثالثاً اگر به طور ناخواسته پولی بیش از یک سال راکد بماند و مقدار آن بیش از نصاب باشد، ممکن است از نظر حکم تکلیفی معذور شناخته شود، ولی باید زکات آن پرداخت شود؛ رابعاً چنانچه انسان پولی را زائد بر مقدار مخارج سالیانه، عمداً راکد بگذارد، از نظر حکم تکلیفی فعل حرامی را مرتکب شده است؛ ولی به لحاظ احکام وضعی - مادامی که به حد نصاب نرسیده و یک سال نگذشته باشد، وجوب زکات متوجه او نخواهد بود. نتیجه اینکه حرمت کنز ذخیره ارزش بودن پول را نفی نمی‌کند، بلکه آن را در عالم اعتبار محدود می‌سازد.

۲. دلالت‌های تکلیفی - اخلاقی: ثروت‌اندوزی تکاثری و آزادی دخل و تصرف در ثروت و درآمد، از اصول و ارزش‌های زیربنایی نظام سرمایه‌داری به‌شمار می‌آید؛ اما در نظام اقتصادی اسلام به دلیل نوع نگرشی که نسبت به خدا، جهان و انسان وجود دارد، مال و ثروت فقط وسیله‌ای است که خداوند انسان را مأمور ساخته است آن را در جهت تعالی و تکامل خود و دیگران مصرف کند. چنین نگرشی به مال و ثروت، به منزله یکی از مهم‌ترین اصول و بنیادهای اخلاقی نظام اقتصادی اسلام، از جمله دلالت‌های حرمت کنز به‌شمار می‌رود. بر اساس این

اصل، اولاً رویکرد تکاثری در کسب مال و ثروت و هدف قرار گرفتن آن که منشأ بسیاری از مفاسد اجتماعی است به شدت محکوم است؛ ثانیاً معطل گذاشتن پول و مال که موجب بطلان فلسفه وجودی آن و به نوعی ظلم به حقوق اجتماع می‌باشد حرام است؛ ثالثاً استفاده از اموال باید در چارچوب اصول و ضوابطی باشد که مورد رضایت خداوند است. بر این اساس، وجود انگیزه تکاثر به همراه راکد گذاشتن و ترک انفاق در راه خدا، بدترین نوع کنز است و برای رهایی از حرمت کنز لازم است هم انگیزه کسب مال و ثروت خدایی باشد و هم از معطل گذاشتن آن اجتناب شود و هم تصرف در آن بر اساس ضوابط شرعی باشد، فقدان هر یک از این سه ویژگی، مستلزم گرفتاری عقاب کنز خواهد بود.

۳. دلالت‌های وضعی - قانونی: یکی از ابعاد مهم بحث در تبیین حرمت کنز، تمییز میان دلالت‌های اخلاقی و حقوقی این حکم است. متأسفانه به‌رغم اهمیت این حکم کمتر در متون فقهی بدان توجه شده است. به همین دلیل، ادبیات این موضوع بیانگر وجود ابهامات فراوان در این زمینه است. برخی از نویسندگانی که صرفاً با رویکرد وضعی - قانونی به این مسئله نگاه کرده‌اند، دلالت آن را در حد وجوب زکات بر مسکوکات طلا و نقره فروکاسته‌اند؛ برخی سخن از نسخ و یا تخصیص این حکم با حکم زکات به میان آورده‌اند و برخی دیگر درصدد حفظ ظاهر آیه برآمده و افزون بر زکات، نوع دیگری از انفاق واجب را از آن استفاده کرده‌اند.

هر چند روشن‌شدن این ابهامات نیازمند تحقیقی مستقل است؛ به‌طور خلاصه می‌توان گفت آنچه از ظاهر آیه با در نظر گرفتن مجموعه قرائن قرآنی، حدیثی و فقهی به دست می‌آید این است که این آیه درصدد تأسیس یک اصل اساسی و کلی برای تنظیم و تدوین نظام اخلاقی و حقوقی است و برای پی‌بردن به احکام دقیق فقهی و حقوقی باید به قوانین و احکام خاص آن که در جای مناسب خود بیان شده است رجوع کرد. برای مثال، در قرآن کریم آیات فراوانی وجود دارد که درباره زکات، خمس، نفقات خانواده و... احکامی را بیان کرده است و در متون فقهی نیز این احکام به طور دقیق بیان شده است. بنا براین، انتظار دلالت فقهی - حقوقی از این آیه بدون مراجعه به آنها انتظار نابجایی است.

توجه به مفاد آیه کنز به منزله یک زیربنا و اصل حاکم بر احکام حقوقی می‌تواند موجب دقت در استخراج احکام شود.

کارکردهای اقتصادی تحریم کنز *مجله علمی و مطالعات فقهی*
در این بخش به بررسی تحلیلی آثار و نتایج تحریم کنز بر متغیرهای کلان اقتصادی خواهیم پرداخت. در این تحلیل، تأکید اصلی بر سه ویژگی به دست آمده از تبیین مفاد تحریم کنز و

دلالت‌های آن است که عبارت‌اند از: ۱. حرمت نگهداری پول (مال) به صورت راکد؛ ۲. نفی انگیزه تکاثر در کسب درآمد و ثروت؛ ۳. لزوم تخصیص درآمد (انفاق) در امور مورد رضایت خداوند (اعم از مصارف شخصی، مشارکت اجتماعی و سرمایه‌گذاری). در ادامه، اثر این سه ویژگی بر تقاضای پول، بازارهای مالی، توزیع درآمد و ثروت، تعادل عرضه و تقاضای کل و پس‌انداز و سرمایه‌گذاری را بررسی خواهیم کرد.

۱. *تقاضای پول*: در نظریه کینز افزون به انگیزه‌های معاملاتی و احتیاطی، بر تقاضای پول به انگیزه سفته‌بازی نیز توجه شده است. اقتصاددانان مسلمان درباره وجود دو انگیزه نخست در اقتصاد اسلامی تردیدی ندارند؛ اما درباره انگیزه سفته‌بازی اختلاف نظر دارند. منشأ این اختلاف به اختلاف درباره حرمت کنز و مشروعیت فعالیت سفته‌بازی برمی‌گردد. کسانی که کنز پول و فعالیت سفته‌بازی را مشروع می‌دانند، نظریه‌هایی از سنخ دسته دوم ارائه کرده‌اند؛ با این تفاوت که به جای نرخ بهره از متغیرهای دیگری مانند نرخ سود استفاده کرده‌اند. در این‌گونه نظریه‌ها، به دلیل آنکه تعادل بخش پولی مستقل از بخش واقعی است، تحلیل‌های اقتصاد کلان در چارچوب IS-LM امکان‌پذیر است؛ اما کسانی که نگهداری پول به صورت راکد و فعالیت سفته‌بازی را غیرمشروع می‌دانند، در گروه اول نظریه‌های تقاضای پول جای می‌گیرند. در این‌گونه نظریه‌ها، تعادل بازار پول مستقل از تعادل بازار کالاها و خدمات نیست؛ زیرا تغییرهای تقاضای پول تابع تغییرهای تقاضای کالا و خدمات در بخش واقعی اقتصاد است و متغیرهای بخش واقعی اقتصاد مانند درآمد ملی، سطح قیمت‌ها، نرخ سود و مانند آن، ابتدا بر عرضه و تقاضا در بخش واقعی اقتصاد اثر می‌گذارند و به تبع آن، در تقاضای پول تغییر پدید می‌آید. بدین ترتیب، بخش پولی، انعکاسی از بخش واقعی اقتصاد است و برای تحلیل رخدادهای اقتصاد کلان نمی‌توان از چارچوب IS-LM استفاده کرد.^{۶۲}

ممکن است برخی اشکال کنند که در زمان‌های گذشته به دلیل کندی فعالیت‌های اقتصادی و مزایای نگهداری پول در مقایسه با سایر دارایی‌ها، انگیزه زیادی برای کنز وجود داشت و این امر در کنار محدودیت عرضه پول به دلیل هزینه‌بر بودن کشف و تولید طلا و نقره می‌توانست اختلالات بزرگی را در اقتصاد موجب شود؛ اما امروزه نگهداری پول به واسطه وجود هزینه‌های چون کاهش ارزش به واسطه تورم و وجود زمینه‌های سرمایه‌گذاری در سایر دارایی‌ها خودبه‌خود رجحانی ندارد. از طرف دیگر، عرضه پول‌های اعتباری نیز هزینه‌ای ندارد. بر این اساس، از آنجا که اولاً نگهداری پول موضوعیت ندارد و ثانیاً بر فرض نگهداری، آسیب زیادی نخواهد زد، حرمت کنز اهمیت چندانی نخواهد داشت.

این مطلب درست به نظر نمی‌رسد؛ زیرا در شرایط رکودی که بهره و تورم ناچیز است،

نگهداری پول به دلیل نداشتن ریسک، رجحان پیدا می‌کند و افزایش عرضه پول نیز راه‌حل مناسبی برای جبران کمبود پول در جریان نیست؛ زیرا این عمل حجم نقدینگی را افزایش داده و مدیریت جریان پول را مختل خواهد ساخت. افزون بر این، امروزه نوع دیگری از نگهداری پول به انگیزه سفته‌بازی و سودجویی وجود دارد که به لحاظ فقهی تطبیق کنز بر آن قابل بحث است. برخی از جنبه‌های این بحث، در عنوان بعدی بررسی خواهد شد.

۲. سفته‌بازی در بازارهای مالی: بازارهای مالی از جمله مهم‌ترین ارکان نظام اقتصادی هستند که وظیفه هدایت پس‌اندازها به سوی سرمایه‌گذاری، کاهش هزینه مبادلات، کاهش ریسک و تأمین نقدینگی را به عهده دارند. در این بازارها، اسناد مالکیت شرکت‌ها و کالاهای بادوام سرمایه‌ای و نیز سهام بنگاه‌ها خرید و فروش می‌شود. یکی از پدیده‌های بحث‌انگیز بازارهای مالی، عملیات بورس‌بازی است.

بورس‌بازی، فعالیتی اقتصادی است که به هدف دستیابی به سود از طریق پیش‌بینی تغییرهای قیمت کالا، اوراق بهادار یا ارز انجام می‌شود. انگیزه اصلی بورس‌بازان از انجام معاملات و خرید و فروش دارایی‌های گوناگون، کسب سود است. بورس‌بازان ممکن است کالایی را بخرند که به طور حقیقی به آن نیاز ندارند و فقط به این دلیل که پیش‌بینی می‌کنند قیمت آن در آینده افزایش یابد، آن را می‌خرند، همچنین ممکن است کالایی را که به آن نیاز دارند بفروشند، فقط به این دلیل که قیمت آن در آینده کاهش خواهد یافت.^{۶۳}

در اقتصاد متعارف و اقتصاد اسلامی، دیدگاه‌های بسیار متفاوتی درباره سفته‌بازی ارائه شده است. برای اولین بار، کینز این فعالیت را معرفی کرد و نشان داد که سفته‌بازان بخشی از ثروت جامعه را به صورت نقد نگهداری می‌کنند تا بتوانند از فرصت‌هایی که برای این منظور در بازارهای مالی پدید می‌آید، بهره‌گیرند. از این‌رو، او برای پول افزون بر تقاضای معاملاتی و احتیاطی، تقاضای سفته‌بازی را نیز مطرح کرد. با تشریح همین پدیده، کینز ارتباط دو بخش مالی و واقعی اقتصاد را با هم نشان داد و تأثیر حاد سیاست‌های پولی را بر تولید و اشتغال تبیین کرد. در عین حال، خود کینز این فعالیت را هیچ‌گاه نستود و آن را نوعی احتکار ثروت جامعه به شکل نقد تلقی کرد.^{۶۴}

در نظریه توبین، تقاضای سفته‌بازی در چارچوب مسئله انتخاب سید دارایی از میان گزینه‌هایی که دارای بازدهی و ریسک متفاوتی هستند تحلیل شده و انتخاب پول به قصد کاهش ریسک موجه شمرده می‌شود.^{۶۵} سیلویو گزل، در زمانی که بازارهای مالی هنوز به شکل امروزی توسعه نیافته بودند، با تشریح خواص پول در مقایسه با سایر کالاها، به نقش زیان‌آور کنز پول در ایجاد زمینه برای رباخواری و ایجاد اختلال در بازار کالا اشاره کرده بود. کینز نیز

عقاید او را تأیید کرد و آن را به بازار مالی تعمیم داد؛ اما فریدمن معتقد است فعالیت سفته‌بازان در مجموع باعث تثبیت ارزش دارایی‌ها می‌شود و نقش مثبتی تلقی می‌شود.^{۶۶}

در اقتصاد اسلامی، عده‌ای مانند ایرج توتونچیان فعالیت سفته‌بازی را زیان‌بار می‌دانند؛ زیرا آنچه در اقتصاد به افزایش تولید، اشتغال و رفاه منجر می‌شود، رونق بخش واقعی آن است، نه بزرگ شدن بخش پولی. دارایی‌های پولی اگر به سرمایه تبدیل نشوند، در جریان تولید قرار نمی‌گیرند و ارزش افزوده ایجاد نمی‌کنند. بنابراین نگه داشتن بخش قابل توجهی از ثروت جامعه به صورت نقد و تبدیل نکردن آن به دارایی‌های ثابت، باعث حبس شدن این ثروت می‌شود که مصداق جدیدی از پدیده کتز به شمار می‌آید.

در مقابل، تعداد دیگری مانند میرمعزی^{۶۷} و صالح‌آبادی^{۶۸} معتقدند در صورتی که بورس‌بازی به گونه‌ای سالم و به دور از احتکار و ائتلاف و انتشار اخبار کذب و معاملات صوری و مانند آن انجام شود، اشکال فقهی نخواهد داشت. میرمعزی پدیده کتز، که به اصطلاح کینزی آن که در بازار مالی رخ می‌دهد، را مشمول مفاد آیه کتز نمی‌داند و با بررسی برخی قواعد فقهی و استناد به روایات خاص، در صدد اثبات مشروعیت بورس‌بازی برمی‌آید.

بیشتر اقتصاددانان و فقیهان اهل سنت بورس‌بازی را در فرض وجود احتکار، تبانی و مانند آن در نظر گرفته و ممنوع شمرده‌اند.^{۶۹}

شهید سیدمحمدباقر صدر با ارائه یک تحلیل جامع از تجارت به مفهوم لغوی و تجارت قانونی، تجارت مورد قبول اسلام را تجارتي می‌داند که متضمن ارائه خدمتی باشد و چنین تجارتي را شعبه‌ای از تولید به شمار آورده است. بر این اساس، ایشان سودی که بدون کار تولیدی و صرفاً از طریق انتقال مالکیت به دست آمده باشد را معلول سیطره روح خودخواهی بر روابط تجاری دانسته و محکوم می‌کند. وی با اشاره به نصوصی که انجام معامله قانونی بدون ارائه خدمت تولیدی را نهی می‌کنند و همچنین روایات نهی از تلقی ركبان و بيع الحاضر للبادی می‌فرماید:

فلسفه ممنوعیت مزبور، از میان برداشتن واسطه‌ها و هرگونه طفیلی‌گری در جریان تولید است. به خاطر آنکه تولیدکننده را از مصرف‌کننده جدا ساخته و بدون آنکه واقعاً کاری انجام دهد، به صرف واسطه‌گری درآمد و منفعتی به جیب می‌زند. بنابراین، اسلام با واسطه‌گری به خاطر آنکه فاقد هرگونه محتوای تولیدی بوده و صرفاً به خاطر کسب سود انجام می‌شود و این تحمیل زیادی بر جامعه است مبارزه می‌کند.^{۷۰}

ایشان پذیرش ریسک را نیز منشأ درآمد نمی‌دانند و در این باره می‌گویند: «بر اساس نظریه توزیع بعد از تولید، «مخاطره» منشأ درآمد شناخته نشده و مجوز نظری هیچ‌یک از انواع

درآمدهای قانونی نیست؛ زیرا مخاطره نه جنبه کالا و سرمایه را دارد که مخاطره به دیگری تأدیه و ثمن را مطالبه کند و نه کار است که روی ماده‌ای پیاده گردد تا حق تملک یا مطالبه اجرت مطرح شود».^{۷۱}

در مجموع، به نظر می‌رسد صرف‌نظر از بورس‌بازی غیرسالم که از دید همگان ممنوع است، منشأ اختلاف درباره بورس‌بازی سالم به دو نکته برمی‌گردد: کنز کردن پول و غیرمولد بودن و بلکه زیان‌بار بودن این فعالیت. بر اساس تبیین ما، نگهداری پول به صورت راکد و خارج کردن آن از جریان فعالیت‌های اقتصادی حرام است و صرف به گردش درآوردن آن نیز کافی نیست، بلکه به کار گرفتن پول باید در فعالیت‌هایی باشد که بتوان آن را مصداق سبیل‌الله به شمار آورد. حال با توجه به تحلیلی که از شهید صدر درباره موضع اسلام نسبت به این‌گونه فعالیت‌ها نقل کردیم، چنین عملی اگر هم به ظاهر جزو مصادیق سنتی کنز به شمار نیاید، از این جنبه که معیار به کارگیری پول در راه‌های مورد رضایت خداوند را تأمین نمی‌کند، مشمول حرمت کنز خواهد بود. بدین ترتیب، حذف سفته‌بازی از بازارهای مالی را باید یکی از کارکردهای حرمت کنز به شمار آورد.

۳. پس‌انداز و سرمایه‌گذاری: تحریم کنز و راکد نگه‌داشتن پس‌اندازها موجب می‌شود که سهمی از درآمد که به مصرف و مشارکت اجتماعی اختصاص نیافته و به اصطلاح پس‌انداز می‌شود، توسط خود شخص و یا با واگذاری به افراد دیگر سرمایه‌گذاری شود. با افزایش درآمد، ابتدا هزینه‌های جبران استهلاک سرمایه و تهیه لوازم کسب و کار و سرمایه لازم برای پشتیبانی هزینه‌های مصرفی مورد توجه قرار می‌گیرند. این مخارج حتی در درآمدهای پایین‌تر از حد کفاف نیز ممکن است وجود داشته باشند. در درآمدهای بالاتر نیز همواره قسمتی از درآمد برای ارتقای سطح زندگی و کسب توانایی به‌منظور مشارکت در تأمین هزینه‌های اجتماعی، به امر پس‌انداز و سرمایه‌گذاری اختصاص می‌یابد. رابطه پس‌انداز و درآمد مثبت است، اما اینکه همراه با افزایش درآمد، میل نهایی به پس‌انداز ثابت می‌ماند و یا تغییر می‌کند، معلوم نیست.

نتیجه‌گیری

بیان قرآن کریم در تحریم کنز و لزوم انفاق فی سبیل‌الله، بسیار قاطع و شدید است. با این حال، مفاد آیه کنز در علم فقه کمتر بررسی شده است. این مقاله مسئله کنز را از دیدگاه فقه و اقتصاد بررسی کرده است. مفهوم لغوی کنز، جمع کردن، انباشتن و راکد گذاشتن مال است. در فرهنگ‌نامه‌های اقتصادی نیز کنز به پس‌انداز راکد اطلاق شده است. در متون علم اقتصاد، ابتدا پدیده کنز به معنای خارج شدن پول از گردش مبادلات بود؛ اما پس از کینز در مفهوم

محدودتری که با انگیزه سفته‌بازی در ارتباط است، به کار گرفته شد. اقتصاددانان غربی درباره کenz و بورس‌بازی دیدگاه‌های متفاوتی دارند؛ برخی مانند گِرِول و کینز آن را محکوم می‌کنند؛ در حالی که فریدمن نقش بورس‌بازان را در مجموع مثبت تلقی کرده است. بسیاری از اقتصاددانان مسلمان با الهام از موضع قرآن کریم پدیده کenz در مفهوم کینزی آن را ممنوع می‌دانند؛ ولی به اعتقاد گروه دیگری از آنها؛ مفهوم کenz در قرآن متفاوت از کenz اقتصادی است و از این‌رو، بورس‌بازی سالم، مجاز است.

درباره معنای «انفاق فی سبیل‌الله» دو احتمال مطرح است. معنای خاص آن که انفاق جزئی از مال برای مصالح اجتماعی و غیرشخصی است، در اینجا مناسب به نظر نمی‌رسد. در مقابل معنای عام، یعنی هزینه کردن همه مال در مصالح فردی و اجتماعی در چارچوب ضوابط شرعی با سیاق آیه سازگاری بیشتری دارد. این معنا مورد حمایت برخی از مفسران و گروهی از اقتصاددانان مسلمان قرار گرفته است.

در مجموع، اندیشمندان مسلمان در تبیین حرمت کenz و لزوم انفاق فی سبیل‌الله دیدگاه‌های متفاوتی ارائه کرده‌اند. که چهار دیدگاه مهم در این زمینه بررسی شد. بنابر تجزیه و تحلیل صورت گرفته در مقاله، مفاد آیه کenz، نفی انگیزه تکاثر در انباشت ثروت و سرمایه، پرهیز از راکد گذاشتن پول (مال) و لزوم هزینه کردن آن در راه‌های خداپسندانه اعم از مصارف شخصی، مشارکت‌های اجتماعی و سرمایه‌گذاری می‌باشد.

نکته پایانی آنکه، حرمت کenz نقش اساسی در نفی سفته‌بازی در بازارهای مالی کاهش انگیزه برای تقاضای سفته‌بازی پول و ارتقای سطح سرمایه‌گذاری، دارد.



پی‌نوشت‌ها

1. Hoard.

۲. حسن گلریز، فرهنگ توصیفی لغات و اصطلاحات اقتصادی، ص ۲۴۵.

3. Hoarding.

۴. سیاوش مریدی و علیرضا نوروزی، فرهنگ اقتصادی، ص ۶۰۷.

۵. ایرج توتونچیان، پول و بانکداری اسلامی، ص ۱۲۸.

۶. همان، ص ۱۲۰.

۷. همان، ص ۱۲۳.

۸. همان، ص ۱۲۹-۱۳۳.

۹. محمدرضا یوسفی، در جستجوی آرمان‌شهر نبوی (رویکرد اقتصادی-سیاسی ابوذر)، ص ۲۰۶-۲۰۷.

۱۰. سیلویو گزل، نظام اقتصاد طبیعی از راه زمین آزاد و پول آزاد، ترجمه سید ابراهیم بیضایی، سمت، ص ۲۰۰-۲۰۲.

۱۱. همان، ص ۲.

۱۲. سیدمحمدباقر صدر، اقتصادنا، مکتب الاعلام الاسلامی، ص ۶۲۴.

۱۳. ایرج توتونچیان، پول و بانکداری اسلامی، ص ۱۵۲.

۱۴. دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، پول در اقتصاد اسلامی، ص ۱۸.

۱۵. دکتر سیدکاظم صدر در کتاب اقتصاد صدر اسلام ۱۳۷۸، ص ۵۹.

۱۶. محمدرضا یوسفی، در جستجوی آرمان‌شهر نبوی (رویکرد اقتصادی-سیاسی ابوذر)، ص ۱۸۳.

۱۷. امیره عبداللطیف مشهور، الاستثمار فی الاقتصاد الاسلامی، ص ۲۰۷.

۱۸. یوسف حامد العالم، النظام السیاسی و الاقتصادی فی الاسلام، ص ۶۷-۷۰.

۱۹. زیدان عبدالفتاح قعدان، منهج الاقتصاد فی القرآن، ص ۱۵۰.

۲۰. خورشید احمد، مطالعاتی در اقتصاد اسلامی، ص ۲۹۰.

۲۱. ابوحامد محمد غزالی، نظریات اقتصادی امام محمد غزالی، ترجمه مؤیدالدین خوارزمی، ص ۳۳. همچنین

۲۲. نویسندگان مجموعه الحیات (ج ۳، ص ۳۳۴) نیز نظری اینچنین داشته‌اند.

۲۳. احمد بن حسین بن علی بیهقی، السنن الکبری، تحقیق محمد عبدالقادر، ج ۹، ص ۲۵.

۲۴. عبدالله بن المبارک الحنظلی، کتاب الزهد، ص ۳۰، ح ۱۱۸.

۲۵. احمد بن حسین بن علی بیهقی، السنن الکبری، ج ۷، ص ۴۷۹.

۲۶. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، تحقیق علی‌اکبر غفاری، ج ۵، ص ۸۶-۸۸.

۲۷. ر.ک: محمدبن عمر فخر رازی، تفسیر الکبیر، ج ۱۶، ص ۴۱.

۲۸. یوسف حامد العالم، ۱۹۷۵، صص ۶۷-۷۰.

۲۹. امیره عبداللطیف مشهور، الاستثمار فی الاقتصاد الاسلامی، ص ۲۰۷.

۳۰. عبدالله مختار یونس، الملكية فی الشریعه الاسلامیه و دورها فی الاقتصاد الاسلامی، ص ۴۴۳.

۳۱. محمدرضا یوسفی، در جستجوی آرمان‌شهر نبوی (رویکرد اقتصادی-سیاسی ابوذر)، ص ۲۰۸.

۳۲. ر.ک: محمد محمدی ری‌شهری، و سیدرضا حسینی، التمیمه الاقتصادیه فی الكتاب والسنة، ص ۵۱۸-۵۱۹.

۳۳. محمدعلی گرامی، مالکیت خصوصی، ص ۱۱۱.
۳۴. محمدبن حسن طوسی، التبیان، ج ۵، ص ۲۴۷.
۳۵. السیوطی، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، ج ۴، ص ۱۸۱.
۳۶. علامه دیدگاه خود را به صورت خلاصه چنین بیان می‌کند: «و بالجمله: فالایه تدل علی حرمة كنز الذهب والفضة فیما كان هناك سبیل لله یجب انفاقه فیہ، و ضرورة داعية إلیه لمستحقی الزكاة مع الإمتناع من تأدیتها، والدفاع الواجب مع عدم النفقة وإنقطاع سبیل البرّ والإحسان بین الناس» سیدمحمدحسین طباطبائی، المیزان، ج ۹، ص ۲۶۶ - ۲۶۱.
۳۷. سیدجعفر حسینی و محمد قاضی‌زاده، اقتصاد در فقه اسلامی، ص ۳۰۰ - ۳۱۴.
۳۸. سیدمحمد حسینی شیرازی، الفقه الاقتصاد، ص ۲۴۰ - ۲۴۷.
۳۹. ر.ک: محمدعلی گرامی، مالکیت خصوصی، ص ۱۲۷ - ۷۹.
۴۰. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، تحقیق علی اکبر غفاری، ج ۴، ص ۶۱، ج ۴ / محمدبن مسعود عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۸۷، ج ۵۴.
۴۱. ابی‌الفضل علی الطبرسی، مشکاة الأنوار، ص ۳۲۱، ح ۱۰۱۸.
۴۲. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، تحقیق علی اکبر غفاری، ج ۴، ص ۳۲، ح ۵.
۴۳. ایشان می‌گویند: «کنز، صرف مال و زندگی در مسیر غیر الهی است. هرگاه جمع ثروت ارزشی بالاتر از اهداف انسانی پیدا کند، کنز صورت گرفته است»
- محمدرضا یوسفی، در جستجوی آرمان‌شهر نبوی (رویکرد اقتصادی-سیاسی ابوذری)، ص ۱۹۵.
۴۴. سیدقطب، عدالت اجتماعی در اسلام، ترجمه سیدهادی خسروشاهی و محمدعلی گرامی، ج ۱، ص ۱۷۵.
۴۵. ر.ک: محمدرضا یوسفی، در جستجوی آرمان‌شهر نبوی، ص ۱۸۵-۱۹۵.
۴۶. محمدبن عمر فخر رازی، التفسیر الکبیر، ج ۱۶، ص ۴۱.
۴۷. فضل بن الحسن الطبرسی، تفسیر مجمع البیان، ج ۵، ص ۴۱.
۴۸. محمد رشیدرضا، تفسیر المنار، ج ۱۰، ص ۳۹۵.
۴۹. سیدمحمدحسین طباطبائی، المیزان، ج ۹، ص ۲۴۷.
۵۰. محمد محمدی ری‌شهری و سیدرضا حسینی، التنمية الاقتصادية فی الكتاب و السنه، ص ۵۱۳.
۵۱. ر.ک: همان، ص ۵۱۰-۵۱۷.
۵۲. رسول خدا (صل‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم): در این باره می‌فرماید: «هر کس برای صیانت خود از نیازمندی به دیگران و تلاش برای خانواده‌اش و دستگیری از همسایگان، از راه حلال دنیا را طلب کند، در روز قیامت خداوند را در حالی ملاقات می‌کند که صورتش مانند ماه شب چهارده می‌درخشد و کسی که به خاطر تکاثر و تفاخر و ریا، از راه حلال به طلب دنیا برود، خداوند را در حالی ملاقات می‌کند که بر او خشمگین است» همان، ص ۵۰۴.
۵۳. همان، ص ۵۰۳ - ۵۴۹.
۵۴. ر.ک: سیدرضا حسینی، سیره اقتصادی امام علی (ع)، ص ۴۷.
۵۵. ری شهری ۱، التنمية الاقتصادية فی الكتاب و السنه، ص ۳۶۷.
۵۶. ری شهری ۱، همان، ص ۵۱۴.
۵۷. همان، ص ۵۱۵.
۵۸. یکی از این افراد که در هنگام تقسیم میراث او منازعه شدیدی میان ابوذری و عثمان و کعب‌الاحبار در گرفت، عبدالرحمن عوف بود که ابن‌سعد درباره اموال او می‌گوید: در میان ما ترک او شمش طلایی بود که با تبر قطعه‌قطعه شد؛ به گونه‌ای که

- موجب تاول زدن دست مردان گردید و چهار زن داشت که سهم یکی از آنها از هشت یک آن مال بیش از هشتاد هزار (دینار) شد. (محمد محمدی ری‌شهری و همکاران، *موسوعه الامام علی بن ابی طالب*، ج ۳، ص ۱۵۱).
۵۹. محمد محمدی ری‌شهری و سیدرضا حسینی، *التنمیة الاقتصادية فی الکتاب و السنه*، ص ۳۶۶.
۶۰. همان، ص ۳۶۷.
۶۱. برای مثال حرمت شرب خمر خاصیت مست‌کنندگی خمر را برنمی‌دارد - بلکه صرفاً در عالم اعتبار آن را محدود می‌سازد. محدودیت اعتباری نیز گاهی صرفاً در محدوده حکم تکلیفی است و گاهی جنبه وضعی نیز پیدا می‌کند.
۶۲. ر.ک: سیدحسین میرمعزی، «تقاضای پول در اقتصاد اسلامی»، *اقتصاد اسلامی*، ش ۱۰.
۶۳. میرمعزی ۲، ۱۳۸۲.
۶۴. ر.ک: صدر، سیدکاظم و فاطمه اسماعیلی، «تقاضای پول و مساله سفته بازی».
۶۵. همان.
۶۶. همان.
۶۷. ر.ک: سیدحسین میر معزی، «بورس بازی از نگاه فقه»، *اقتصاد اسلامی*، ش ۹، ۱۳۸۲.
۶۸. علی صالح آبادی، *بازارهای مالی اسلامی*، ص ۴۵-۶۵.
۶۹. ر.ک: سیدحسین میر معزی، «بورس بازی از نگاه فقه»، *اقتصاد اسلامی*، ش ۹، ۱۳۸۲.
۷۰. سیدمحمدباقر صدر، *اقتصادنا*، ص ۶۴۵-۶۵۲.
۷۱. همان، ص ۶۰۱.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

- ابن اثیر، مبارک بن مبارک، *النهاية في غريب الحديث*، قم، مؤسسه اسماعیلیان، چ چهارم، ۱۳۶۷.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، *لسان العرب*، دار صادر، بیروت، ۱۴۱۰ق.
- ابوداؤود، سلیمان بن أشعث السجستانی الأزدي (ت ۲۷۵ ق.)، سنن أبی داؤود تحقیق محمد محیی الدین عبدالحمید، بیروت، دار احیاء السنة النبویه، الاسلامیه، ۱۴۱۲ ق.
- احمد بن فارس بن زکریا، *ترتیب مقابیس اللغة*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۷ش.
- بیهقی، احمد بن حسین بن علی، *السنن الکبری*، تحقیق محمد عبدالقادر، عطا، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۴ ق.
- توتونچیان، ایرج، *پول و بانکداری اسلامی*، تهران، توانگران، ۱۳۷۹.
- الجوهری، اسماعیل بن زیاد، *الصحاح فی اللغة*، قم، دار العلم للملایین، چ چهارم، ۱۹۸۷.
- حسینی، سیدرضا، *سیره اقتصادی امام علی*، تهران، کانون اندیشه جوان، چ پنجم، ۱۳۸۷.
- حسینی، سیدجعفر و محمد قاضی زاده، *اقتصاد در فقه اسلامی*، قم، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۰.
- حسینی شیرازی، سیدمحمد، *الفقه الاقتصاد*، قم، دارالقرآن الکریم، ۱۴۰۰ ق.
- حکیمی، محمدرضا، محمد و علی، *الحیة*، قم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چ دوم، ۱۳۷۳.
- الحظلی، عبدالله بن المبارک، *کتاب الزهد*، بیروت، دارالکتب العلمیه، بی تا.
- خورشید احمد، *مطالعاتی در اقتصاد اسلامی*، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۴.
- الراغب الاصفهانی، *مفردات الفاظ القرآن*، تحقیق صفوان عدنان داوودی، بیروت، دارالقلم، ۱۴۱۲ق.
- رشیدرضا، محمد، *تفسیر المنار*، بیروت، دار المعرفه، ۱۳۶۶ ق.
- الزبیدی، سیدمحمد مرتضی، *تاج العروس من جواهر القاموس*، بیروت، دارالفکر، ۱۹۹۴.
- صالح آبادی، علی، *بازارهای مالی اسلامی*، تهران، دانشگاه امام صادق، ۱۳۸۵.
- سیدقطب، *عدالت اجتماعی در اسلام*، ترجمه سیدهادی خسروشاهی و محمدعلی گرامی، تهران، شرکت سهامی انتشار، چ هشتم، ۱۳۵۲.
- دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، *پول در اقتصاد اسلامی*، تهران، سمت، ۱۳۷۴.
- الصدر، السید محمدباقر، *اقتصادنا*، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، چ سوم، ۱۳۸۷.
- صدر، سیدکاظم، *اقتصاد صدر اسلام*، تهران، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۵.
- صدر، سیدکاظم و فاطمه اسماعیلی، «تقاضای پول و مساله سفته بازی». (منتشر نشده)
- الطباطبائی، سیدمحمدحسین، *المیزان فی التفسیر القرآن*، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ط.الثانیة، ۱۳۹۴.
- الطبرسی، ابی الفضل علی، *مشکاة الانوار فی غرر الاخبار*، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۵.
- الطبرسی، فضل بن الحسن، *تفسیر مجمع البیان*، بیروت، ط.الثانیة، ۱۴۱۸.
- الطریحی، فخرالدین، *مجمع البحرین*، تحقیق سیداحمد حسینی، تهران، مکتبه نشر الثقافه، چ دوم، ۱۰۸۵ ق.
- الطوسی، ابوجعفر محمدبن الحسن، *الامالی*، تحقیق مؤسسه البعثه، قم، دارالثقافه، ۱۴۱۴ ق.
- الطوسی، محمدبن حسن، *تفسیر التبیان*، مکتبه الامین، النجف الاشرف، ۱۳۷۶.
- العالم، یوسف حامد، *النظام السیاسی و الاقتصادی فی الاسلام*، بیروت، دارالقلم، ۱۹۷۵.
- العیاشی، محمدبن مسعود، *تفسیر عیاشی*، طهران، المکتبه العلمیه، ۱۹۹۱.
- غزالی، ابوحامدمحمد، *نظریات اقتصادی امام محمد غزالی*، ترجمه مؤیدالدین خوارزمی، بی جا، جمهوری، بی تا.

- فخر رازی، محمدبن عمر، *التفسیر الکبیر*، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۰.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، *العین*، مؤسسه دارالهجره، ۱۴۰۹ق.
- فیروزآبادی، محمدبن یعقوب، *القاموس المحیط*، بیروت، دارالعلم للجمع، بی تا.
- فیومی، احمدبن محمد، *المصباح المنیر*، قم، چ دوم، دارالهجره، ۱۴۰۵ق.
- قعدان، زیدان عبدالفتاح، *منهج الاقتصاد فی القرآن*، بیروت، مؤسسه الرساله و دارالبشیر، ۱۹۹۷.
- فرهنگ، منوچهر، *فرهنگ علوم اقتصادی*، بی جا، آزاده، ۱۳۶۶.
- الکلینی، محمدبن یعقوب، *الکافی*، تحقیق علی اکبر غفاری، ۱۳۸۹.
- گرامی، محمد علی، مالکیت خصوصی، نشر روح، چاپ دوم، ۱۳۷۹ هـ ق.
- گلریز، حسن، *فرهنگ توصیفی لغات و اصطلاحات اقتصادی*، تهران، مرکز آموزش بانک مرکزی، ۱۳۶۸.
- گزل، سلویو، *نظام اقتصاد طبیعی از راه زمین آزاد و پول آزاد*، ترجمه سیدابراهیم بیضایی، تهران، سمت، ۱۳۸۳.
- محمدی ری شهری ۱، محمد، با همکاری سیدرضا حسینی، *التنمیة الاقتصادية فی الكتاب و السنه*، قم، دارالحديث، ۱۳۸۲.
- محمدی ری شهری ۲، محمد و همکاران، *موسوعه الامام علی بن ابی طالب*، قم، دارالحديث، ۱۴۲۱.
- مختار یونس، عبدالله، *الملکیه فی الشریعه الاسلامیه و دورها فی الاقتصاد الاسلامی*، مؤسسه شباب الجامع، اسکندریه.
- مرطمان، سعید سعد، *مدخل للفکر الاقتصادي فی الاسلام*، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۹۹۹.
- مشهور، امیره عبداللطیف، *الاستثمار فی الاقتصاد الاسلامی*، مکتبه مدبولی، القاهره، بی تا.
- مریدی سیاوش و نوروزی، علیرضا، *فرهنگ اقتصادی*، تهران، مؤسسه کتاب پیشبرد و انتشارات نگاه، ۱۳۷۳.
- موسویان، سیدعباس، *پس انداز و سرمایه گذاری در اقتصاد اسلامی*، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۷۶.
- میرمعزی ۱، سیدحسین «مفهوم کنز از دیدگاه علم اقتصاد و اندیشمندان اسلامی»، مفید، ش ۳۵، ۱۳۸۲.
- میرمعزی ۲، سیدحسین «بورس بازی از نگاه فقه»، *اقتصاد اسلامی*، ش ۹، ۱۳۸۲.
- میرمعزی ۳، سیدحسین «تقاضای پول در اقتصاد اسلامی»، *اقتصاد اسلامی*، ش ۱۰، ۱۳۸۲.
- المنذری، عبدالعظیم بن عبدالقوی، *الترغیب والترهیب*، تحقیق مصطفی محمد عماره، بی جا، بی نا، ط.الثالثه، ۱۳۸۸.
- نمازی، حسین، *نظام های اقتصادی*، تهران، دانشگاه شهیدبهشتی، ۱۳۷۴.
- الهندی، علاءالدین علی المتقی بن حسام الدین (ت ۹۷۵ ق.)، *کنز العمال فی سنن الاقوال والافعال تصحیح صفوة السقا*، بیروت، مکتبه التراث الاسلامی، ۱۳۹۷ ق.
- یوسف، احمد، *المال فی الشریعه الاسلامیه*، قاهره، دارالثقافه للنشر و التوزیع، ۱۹۹۰.
- یوسفی، محمدرضا، *در جستجوی آرمان شهر نبوی (رویکرد اقتصادی - سیاسی ابوذری)*، قم، دانشگاه مفید، ۱۳۸۶.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی